

اولین فرهنگ نامه مطبوعاتی ایران



سیدمحمدصدر هاشمی یژوهشگر مطبوعات و نویسنده کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در (چهار جلد)

نوشته است: «نشر این جراید و مجلات سبب گردیده است که علما و فضلا بیشتر افکار و معلومات خود را در صفحات جراید و مجلات نشر داده و از تدوین و تألیف کتب مستقل خودداری نمایند. نامبرده (وحید دستگردی) از کسانی بود که دائما اوقات خود را صرف فعالیت های علمی می کرد و با وجود این پس از مرگ کتاب مستقلی از خود به یادگار نگذاشت علت آن را باید در صفحات مجله بیست و سه ساله ارمانغان جستجو کرد. مرحوم وحید دوران فعالیت علمی خود را صرف نشر این مجله مایهانه نمود ولذا فرصت دیگری برای تألیف کتاب نداشت.»

صدر هاشمی در ادامه توضیح داده که «اگر کسی بخواهد به فعالیت علمی و ادبی ایرانیان در مدت چهل و دو سال مشروطیت این کشوری ببرد، باید حتما در اوراق جراید و مجلات آن را جستجو کند. چه بسیار موضوعات علمی و ادبی که از ذهن وقاد دانشمندان در طول این مدت تراوش کرده و منحصرأ در صفحات جراید و مجلات ثبت و ضبط گردیده است.» اما نبودن تاریخ جامعی از مطبوعات کشور باعث شده که صدر هاشمی در حوالی سال ۱۳۱۷ خورشیدی جمع آوری اطلاعات مطبوعات منتشره در ایران را شروع کند. آن طور که او در مقدمه جلد نخست (منتشره ۱۳۲۷ خورشیدی) نوشته، در آن سال به جز فهرست مختصری که میرزا محمدعلی خان تربیت (۱۲۵۶-۱۳۱۸ خورشیدی) روزنامه نگار و مؤسس کتابخانه تربیت (اولین کتابخانه عمومی دولتی ایران)، تنظیم کرده، تاکنون تاریخی برای مطبوعات ایران نوشته نشده بوده است. او نوشته است: «چون موضوع بی سابقه و به قدری ورود بدان مشکل بود که با همه کوششی که این جانب برای اتمام آن داشتم با وجود این متجاوز از ۱۰ سال طول کشید و اکنون هم که در صدد چاپ جلد اول آن هستم، هنوز دارای نواقصی است که از اعتراف بدان ناچارم. تدوین و تألیف کتاب و به خصوص موضوعات تاریخی که محتاج مراجعه و پرسش از دیگران می باشد، به اندازه در کشور ما کار مشکلی است که تا کسی وارد بدان نگردد به اشکالات آن پی نخواهد برد. شاید قابل قبول نباشد که نگارنده برای اطلاع از چگونگی و طرز انتشار هر یک از جراید و مجلات فارسی و آشنائی به وضع زندگی مدیران آن ها، چه زحمات و مشقات طاقت فرسایی را متحمل گردیده ام؛ برای این منظور چه مسافرت های دور و درازی را پیش گرفته ام و تازه در ضمن عمل دیده شد که نسخ بعضی از جراید و مجلات فارسی بکلی ناپاب و دسترس بدان ها اگر محال نباشد، لاقابل خیلی مشکل است. اغلب مشاهده

به عنوان معلم یک سال در زنجان و یک سال در ملایر به تدریس پرداخته و سپس در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به اصفهان بازگشته و تا پایان عمر به خدمات فرهنگی مشغول بوده است. لازم به ذکر است که صدر هاشمی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی هم جایزه اول علمی را از وزارت فرهنگ و صنایع مستظرفه گرفته و ضمن دبیری، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان را برعهده داشته و در دانشگاه این شهر نیز به تعلیم سخن سنجی و سبک شناسی منصوب شده است.

یکی از مواردی که دکتر حسین صدر هاشمی در مورد پدر خود نگاشته است، تلاش او در توسعه کتابخانه شخصی اش بوده است. او نوشته است: «پیوسته در توسعه کتابخانه شخصی خود که از زمان های طلبگی بنیاد گذارده بود، می کوشید و آن را به صورت کتابخانه نفیس و پرارزشی درآورد و هرگاه که فارغ از کار تدریس بود در این کتابخانه به مطالعه و تحقیق و بررسی می پرداخت و شب ها را تا ساعت ها بعد از نیمه شب با کتاب هایش می گذرانید و به تدریج قدرت بینایی اش کم شد و هر دو چشمش آب مروارید آورد و در بیمارستان نمازی شیراز تحت عمل جراحی قرار گرفت و متأسفانه یک چشم بینایی اش را از دست داد و برای کسی که تنها عشق و علاقه اش در زندگی مطالعه و تحقیق بود این مسئله ضربه سختی شد و به تدریج در روحیه او تأثیر گذاشت و روز به روز ضعیف و رنجور گردید و باینکه اطباء، مطالعه و تدریس را برایش منع کرده بودند، معذأ تا آخرین روزهای زندگی تا نیرو داشت مطالعه کرد. درس داد، مقاله نوشت و جامعه دانشجویان و مستعدین در محافل دوستانه و در منزل شخصی اواز محضر و از معلوماتش برخوردار بودند.

سیدمحمد صدر هاشمی در ساعت ۲ پس از نیمه شب ۳۰ فروردین ۱۳۴۴ خورشیدی در منزل شخصی اش در اصفهان دار فانی را وداع گفته و در آرامگاه خانوادگی صدر هاشمی درخت فولاد به خاک سپرده شده است.

نتیجه تلاشی ۱۰ساله

سیدمحمد صدر هاشمی در مقدمه جلد اول (۱۳۲۷) مجموعه چهارجلدی «تاریخ جراید و مجلات ایران» از دلایل تألیف چنین کتابی نوشته است. او معتقد است که وجود جراید و مجلات مختلف فارسی بسیار، سبب اصلی عدم تدوین کتاب های مستقل از طرف مؤلفان و مصنفان از دوره مشروطه تا سال نشر این کتاب بوده است. او با مثال زدن «حسن وحید دستگردی»، مؤسس و دبیر مجله «ارمغان» (انتشار ۱۲۹۸ تا ۱۳۲۱ خورشیدی)

کتاب «تاریخ جراید و مجلات ایران»، تألیف زنده یاد سیدمحمد صدر هاشمی

(۱۲۸۴-۱۳۴۴ خورشیدی)، بی گمان اصلی ترین و مستندترین منبع در مطالعات تاریخ مطبوعات ایران به شمار می رود. این مجموعه که در چهار جلد و طی سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ خورشیدی به تدریج منتشر شده، حاصل بیش از یک دهه پژوهش میدانی، آرشیوی و کتابخانه ای نویسنده ای است که خود از اهالی مطبوعات بود و سال ها به روزنامه نگاری اشتغال داشت. او باور داشته تاریخ مطبوعات ایران در گمنامی و غبار فراموشی مدفون است. از همین رو در روزگاری که جامعه ایران با مشکلات عمیق اقتصادی،

سیاسی و اجتماعی روبه روست، با حوصله ای ستودنی به سراغ کتابخانه ها و مجموعه های شخصی می رود و شخصا با پیشکسوتان مطبوعات گفت وگو و مکاتبه می کند تا اطلاعات مطبوعات ایران را تا سال ۱۳۲۷ خورشیدی گردآوری کند. آنچه او بر جای می گذارد، صرفا یک فهرست خشک از نام روزنامه ها نیست، بلکه روایتی زنده از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران از نخستین سال های ورود صنعت چاپ تا دهه ابتدایی سلطنت پهلوی دوم است. در این میان، بخش درخور توجهی از کتاب «تاریخ جراید و مجلات ایران» به مطبوعات شهر مشهد اختصاص دارد؛ شهری که به دلیل حضور بارگاه امام رضا(ع) و موقعیت ویژه اش در شرق کشور، همواره یکی از کانون های مهم نشر مطبوعات در ایران بوده است. در نوشتار پیش رو نگاهی داشته ایم به سرگذشت این کتاب و مؤلفش، سپس روزنامه هایی را فهرست کرده ایم که صدر هاشمی به عنوان نشریات منتشره مشهد نامشان را آورده است.

درباره کتاب

«تاریخ جراید و مجلات ایران»

این مجموعه نفیس که نتیجه بیش از ۱۰ سال کار و کوشش مداوم سیدمحمد صدر هاشمی است، در ۱۲۲۲ صفحه و در چهار جلد به قطع وزیری به شرح زیر برای اولین بار در اصفهان چاپ و منتشر شده است. جلد اول در ۳۵۱ صفحه و در آذرماه ۱۳۲۷، جلد دوم در ۳۳۹ صفحه و در دی ماه ۱۳۲۸، جلد سوم در ۱۸۹ صفحه و در اسفندماه ۱۳۲۹ و جلد چهارم در ۳۴۴ صفحه و در مهرماه ۱۳۳۲ انتشار یافته است.

مردی همیشه معلم

انتشارات «کمال» اصفهان که ناشر «تاریخ جراید و مجلات ایران» سیدمحمد صدر هاشمی است، در مقدمه چاپ دوم این اثر به سال ۱۳۶۳ خورشیدی، زندگی نامه ای از مؤلف این کتاب آورده که به قلم دکتر حسین صدر هاشمی نوشته شده است. اگر چه اطلاعات دقیقی از خانواده صدر هاشمی در دست نیست اما به اعتبار همین مقدمه مشخص است که زندگی نامه توسط برادرش نوشته شده است. بنا بر این نوشته و بر اساس نسب نامه ای که در خاندان صدر هاشمی موجود است، نسب سیدمحمد صدر هاشمی که اجدادش از حجاز به یزد و سپس به اصفهان مهاجرت کرده اند پس از چهل نسل به سیدالشهدا حسین بن علی(ع) می رسد. در این متن آمده است که سیدمحمد صدر هاشمی در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در محله شمس آباد اصفهان، در خانواده ای محترم و روحانی متولد شده و اولین فرزند خانواده و کودکی باهوش بوده و تحصیلات ابتدایی را در منزل نزد دو استاد سرخانه آغاز کرده است. سپس نزد جد مادری خود، آقای شیخ محمد بیدآبادی، به فراگیری صرف و نحو پرداخته و به دلیل علاقه فراوان به علم، حجه رای در مدرسه صدر اصفهان اختیار کرده

و سال ها در آنجا زندگی کرده است. در این دوران از محضر استادانی چون حاج میرسیدعلی نجف آبادی و بهره برده و به تحصیل فقه و اصول مشغول شده و نزد آقای شیخ محمد خراسانی نیز فلسفه و حکمت آموخته است. همچنین چندی از محضر حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نموده است.

به اعتبار مقدمه آخرین چاپ «تاریخ جراید و مجلات ایران»، صدر هاشمی بعد از تحصیلات حوزوی به علوم جدید روی آورده و وارد مدرسه صارمیه شده است. او پس از آنکه دوره اول مدرسه صارمیه را به پایان رسانده، در مدارس اصفهان مشغول تدریس شده است. از آنجا که این معلم جوان اصفهانی دانستن زبان خارجی را کلید تحقیق و مطالعه می دانسته، به فراگیری زبان فرانسه پرداخته و پس از اخذ دیپلم، عازم تهران شده است. او هم زمان در رشته ادبیات دانشکده علوم معقول و منقول و رشته زبان خارجه فرانسه دانش سرای عالی تحصیل خود را آغاز کرده و در پایان سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۷ از هر دو دانشکده فارغ التحصیل شده است.

صدر هاشمی به عنوان شاگرد اول هر دو دانشکده، موفق به دریافت جایزه از وزیر فرهنگ وقت شده و همان سال وارد خدمت وزارت فرهنگ شده است. او



روزنامه نگار حسین نیاز



روزنامه آفتاب شرق



روزنامه ادب



روزنامه بالداالامین



روزنامه بشارت

نشریات مشهد به روایت

«تاریخ جراید و مجلات ایران»

روزنامه اخلاق ۱۲۹۳ خورشیدی

مجله هفتگی اخلاق ۱۲۹۹ خورشیدی

روزنامه ادب ۱۲۷۹ خورشیدی

روزنامه آزاد ۱۳۰۲ خورشیدی

روزنامه آزادی ۱۳۰۴ خورشیدی

روزنامه آفتاب شرق ۱۳۰۳ خورشیدی

مجله الکمال ۱۲۹۹ خورشیدی

روزنامه امروز ۱۳۰۴ خورشیدی

روزنامه بشارت ۱۲۸۵ خورشیدی

هفته نامه بلدالامین ۱۲۸۸ خورشیدی

روزنامه بوستان ۱۳۰۳ خورشیدی

روزنامه بهار ۱۲۹۶ خورشیدی

روزنامه هفتگی بهار شرق ۱۳۰۳ خورشیدی

مجله پهلوی شماره ۶۸ تا ۱۶۳ تا اسفند ۱۳۰۹ خورشیدی

روزنامه تازه بهار ۱۲۹۰ خورشیدی

روزنامه تازه بهار دوره دوم ۱۲۹۸ خورشیدی

مجله ترویج اسلام ۱۳۰۷ خورشیدی

مجله هفتگی جریده صبح ۱۳۰۹ خورشیدی

مجله جهان زنان ۱۲۹۹ خورشیدی

روزنامه چمن ۱۲۹۳ خورشیدی

روزنامه حافظ ایران ۱۳۰۷ خورشیدی

روزنامه خراسان ۱۲۸۷ خورشیدی

روزنامه خراسان نوبت دوم ۱۳۰۰ خورشیدی

روزنامه خورشید ۱۲۸۵ خورشیدی

روزنامه خورشید دوره دوم ۱۳۰۲ خورشیدی

مجله دانش ۱۲۹۸ خورشیدی

مجله دیستان ۱۳۰۱ خورشیدی

روزنامه روشن ۱۳۰۶ خورشیدی

روزنامه سعادت ایران ۱۳۰۲ خورشیدی

روزنامه سلامت ۱۲۹۷ خورشیدی

روزنامه شهامت ۱۳۰۶ خورشیدی

روزنامه صاعقه شرق ۱۳۰۴ خورشیدی

روزنامه صدای شرق ۱۳۰۲ خورشیدی

مجله طب کنونی ۱۲۹۹ خورشیدی

روزنامه طوس ۱۲۸۸ خورشیدی

روزنامه طوس دوره دوم ۱۳۱۳ خورشیدی

روزنامه عصر جدید ۱۲۸۹ خورشیدی

روزنامه فکر آزاد ۱۳۰۱ خورشیدی

مجله لقمان ۱۳۰۹ خورشیدی

روزنامه مریخ ۱۳۰۳ خورشیدی

روزنامه مشرق زمین ۱۳۰۵ خورشیدی

روزنامه مهر منیر (مهر مینو) ۱۲۹۹ خورشیدی

روزنامه مینو ۱۲۹۳ خورشیدی

روزنامه ناطق الاسلام ۱۳۰۵ خورشیدی

مجله نامه تمدن ۱۳۱۰ خورشیدی

مجله ندای ۱۳۰۸ خورشیدی

روزنامه نویهار ۱۲۸۹ خورشیدی

روزنامه وطن ۱۲۹۴ خورشیدی

روزنامه وقت ۱۳۰۲ خورشیدی

روزنامه ولداالامین ۱۲۸۹ خورشیدی

توضیح: با بررسی نگارنده، سیدمحمد صدر هاشمی در «تاریخ جراید و مجلات ایران» نشریاتی چون کاشف اسرار (۱۲۹۲ خورشیدی)، اطلاعات بومیه (۱۲۹۳ خورشیدی)، آگاهی (۱۲۹۳ خورشیدی)، بهار خراسان (۱۲۹۵ خورشیدی) و شرق ایران (۱۲۹۷ خورشیدی) را از قلم انداخته است.

